



Women and Attitude Changes Towards Maternal Roles in Iran Case Study: Mothers in Rasht City

Masoumeh Karamzadeh Toularod¹ | Mohammad Mahdi Rahmati² Zahra Ghasemi³

1. Department of Sociology and Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. E-mail: ma.karamzadeh@iau.ac.ir
2. Corresponding author, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. E-mail: amahdirahmati@guilan.ac.ir
3. Department of Sociology and Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. E-mail: Zah.ghasemi@iauctb.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 03 March 2025 Received in revised form: 12 June 2025 Accepted: 30 June 2025 Published online: 16 September 2025 Keywords: Compensatory Motherhood, Equal Partnership, Leisure Time, Network Motherhood, Participatory Motherhood	The emergence of value and attitudinal changes in the importance of women's social roles, along with the growth of individualism and their interest in personal ideals and interests, has turned the interferences that have occurred in the context of their institutionalized roles in the family and society into a social issue. The aim of the present study is to study the changes in women's attitudes towards maternal roles. The research method is qualitative and of a qualitative type. The study population was women in Rasht and sampling was carried out purposefully. The sample size was obtained through theoretical saturation with 25 participants. The data collection tool was also a semi-structured interview, and the content analysis method was used to analyze the data. The Study of mothers in Rasht has shown a change in their attitude towards their maternal roles in themes such as Compensatory Motherhood, Participatory Motherhood, Acquired-choice Motherhood, Network Motherhood, The Value of Emotions and Feelings, Leisure Time, Self-perpetuation and Agency, Equal Spouse, Dual Work and Home, and Individualization and Differentiation. The results show that the women studied have realized that their values are not something that can be achieved solely through traditional motherhood, but rather compensatory motherhood in order to reduce deprivations before and during marriage, participatory motherhood in order to divide family duties and care for children, network motherhood through alignment and participation with society and especially other women, and also the value of female feelings and emotions.

Cite this article: Karamzadeh Toularod, M.; Rahmati, M.M. & Ghasemi, Z. (2025). Women and Attitude Changes Towards Maternal Roles in Iran Case Study: Mothers in Rasht City, *Social Studies and Research in Iran*, 14(3):533-551 . <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.391473.1597>



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.391473.1597>

زنان و تحولات نگرشی نسبت به نقش‌های مادری در ایران

مورد مطالعه: مادران در شهر رشت

معصومه کرم‌زاده^۱ | محمدمهدی رحمتی^۲ | زهرا قاسمی^۳

۱. گروه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

رایانامه: masomeh.karamzadeh@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: mahdirahmati@guilan.ac.ir

۳. گروه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. رایانامه: Zah.ghasemi@iauctb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	بروز تحولات ارزشی و نگرشی در زمینه اهمیت نقش‌های اجتماعی زنان، در کنار رشد فردگرایی و علاقه آنها به آرمان‌ها و علایق شخصی، تداخلات رخ داده در زمینه نقش‌های نهادینه‌شده آنها در خانواده و اجتماع را به مسئله اجتماعی بدل کرده است. هدف پژوهش حاضر مطالعه تحولات نگرشی زنان نسبت به نقش‌های مادری است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳	روش تحقیق کیفی است. جامعه مورد مطالعه زنان شهر رشت و نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت. حجم نمونه از طریق اشباع نظری با ۲۵ نفر از مشارکت‌کنندگان حاصل شد. ابزار گردآوری داده‌ها نیز مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۳/۲۲	تحول نگرشی مادران رشتی به نقش‌های مادری خود در مضامینی همچون مادری جبرانی، مادری مشارکتی، مادری اکتسابی-انتخابی، مادری شبکه‌ای، ارزشمندی عواطف و احساسات، اوقات فراغت، خودتداوم‌بخشی و عاملیت، همسری برابر، دوگانه کار و خانه و تشخیص و تمایزیابی نشان داده شده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۹	نتایج نشان می‌دهد که زنان مورد مطالعه، دریافته‌اند که ارزش‌های آنها چیزی نیست که صرفاً از طریق مادری سنتی حاصل شود، بلکه مادری جبرانی در جهت کاهش محرومیت‌های قبل و حین ازدواج، مادری مشارکتی در جهت تقسیم وظایف خانواده و مراقبت از کودکان، مادری شبکه‌ای از طریق همسویی و مشارکت با جامعه و به خصوص سایر زنان و نیز ارزشمندی احساسات و عواطف زنانه حاصل می‌شود.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۶/۲۵	
کلیدواژه‌ها:	
اوقات فراغت، مادری جبرانی، مادری شبکه‌ای، مادری مشارکتی، همسری برابر	

استناد: کرم‌زاده، معصومه، رحمتی، محمدمهدی و قاسمی، زهرا (۱۴۰۴). زنان و تحولات نگرشی نسبت به نقش‌های مادری؛ مطالعه‌ای در شهر رشت. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۴(۳): ۵۳۳-۵۵۱.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2025.391473.1597>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.391473.1597>

۱. مقدمه و بیان مسئله

امروزه خانواده همچون بسیاری از نهادهای اجتماعی دچار تحولات عمیقی شده و از ساختار متعلق به جوامع سنتی فاصله گرفته است (ترابی و رنجبری، ۱۴۰۲: ۵۵۵). با تغییرات رخ داده زنان در تلاش‌اند هویت و تصویری متمایز و جدید از خود به نمایش بگذارند و آنان بدین طریق در گروه‌های مختلف احساس تعلق و نقش‌آفرینی می‌کنند (باقری‌میاب و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۲۹-۱۵۹). با این تغییر و تحولات، نقش مادری^۱ به‌مثابه یک فرآیند پویا و یک تغییر دائمی در زندگی زنان نیز در حال تحول بوده است (ویلیامسون و همکاران^۲، ۲۰۲۲: ۱۱۰). این امر مستلزم بازاندیشی و تحول در نقش‌ها و انتظارات از مادری است که می‌تواند ابعاد و جهت‌گیری خاصی به همراه داشته باشد. این تحول در جامعه و کشور ما نیز در دهه‌های اخیر به‌طور مختلف خود را نشان داده است و شاهد این هستیم که با وجود اینکه نسبت به قبل زنان توانسته‌اند موقعیت خود را بهبود ببخشند، اما همچنان نابرابری جنسیتی در خانه و محل کار علیه آنها وجود دارد.

اما در دو دهه اخیر، افزایش نرخ تحصیلات عالی زنان و مشارکت بیشتر آنان در فعالیتهای اجتماعی و شغلی و همچنین، بروز تحولات ارزشی و نگرشی در زمینه اهمیت نقش‌های اجتماعی زنان، در کنار رشد فردگرایی و توجه و علاقه دختران و زنان جوان به آرمان‌ها و علایق شخصی، بازاندیشی در زمینه نقش‌های شایسته و بایسته زنان در خانواده و اجتماع و بازتعریف معنا و نقش مادری رخ داده است (روشنی و زارعان، ۱۴۰۲: ۱۱۷). با افزایش اشتغال، تحصیلات و آگاهی زنان، ساختار سنتی خانواده تغییر یافته و زمینه‌تغییراتی در رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات نقشی زنان فراهم شده است در واقع، این امر انتظارات آنها را تحت تاثیر قرار داده است که این امر خود حامل چالش‌های برای آنها بوده و از جمله آنها می‌توان به انتظارات نقش مادری آنها اشاره کرد (صادقی و شهابی، ۱۳۹۶: ۷۱۶). این دوگانگی انتظارات، زنان را با مسائل جدیدی همچون ایجاد تعادل میان وظایف شغلی و وظایف خانوادگی از جمله مادری مواجه کرده است (انتظاری و افضل، ۱۳۹۹: ۴۲-۴۳). در این روند و با تحولات رخ داده، زنان با نیازهای مختلفی مواجه شده و از این طریق، امکان ایجاد طرد و تبعیض علیه آنها را بالا می‌رود (کردوانی و همکاران، ۱۳۹۵).

از جمله شهرهای ایران که حامل تجارب زیادی در خصوص تجارب خاص مادری و تحولات نگرش و ارزشی حول آن بوده، شهر رشت است. این تحولات کیفیت و کمیت ساختار روابط اجتماعی و خانوادگی را با چالش روبرو کرده است» (یعقوبی‌چوبری، کنعانی و یحیی‌پور، ۱۳۹۸). بر اساس داده‌های ثبت احوال، میزان باروری کل در استان گیلان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱/۳۸ فرزند، در سال ۱۳۹۶ ۱/۳۵ فرزند، در سال ۱۳۹۷ ۱/۲۶ فرزند، در سال ۱۳۹۸ ۱/۱۰ فرزند و در سال ۱۳۹۹، ۱/۰۶ فرزند بوده است (براتی، کنعانی و عبداللهی، ۱۴۰۰: ۱۶۰). در میان مراکز جمعیتی استان گیلان، شهر رشت از نظر شاخص‌های باروری و همچنین تغییرات ایده‌ای و نگرشی وضعیت ویژه‌ای دارد. در این شهر به عنوان مرکز استان میزان طلاق‌ها افزایش یافته و میانگین سن ازدواج دختران و سن مادران در هنگام اولین تولد افزایش یافته و تعداد فرزندان خانوارها به شدت محدود شده است. از طرف دیگر، سهم زنان در تحصیلات عالی، اشتغال و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته است که همگی نشان‌گر تحولات اساسی اجتماعی فرهنگی در نهاد خانواده گیلانی است (کنعانی و بخشی، ۱۳۹۳: ۴). اما، شاهد این هستیم که تحقیقات چندانی در این خصوص و تحولات خانوادگی در شهر رشت و استان گیلان انجام نگرفته است.

^۱ Motherhood

^۲ Williamson, Wagstaff, Goodwin & Smith

در شهر رشت شاهد خروج زنان از خانه و دگرگونی در نقش‌های مادرانه هستیم. در این بین زنان دیگر همچون گذشته در قید سبک‌های زندگی گذشته نیستند و با انتخاب‌های بیشتری روبرو هستند. این سبک زندگی زنان در ابعاد مختلف آن، نگرش به نقش مادری را با چالش‌هایی روبرو ساخته است. این رویه تضادهای در تعاریف سنتی، عام‌گرایانه و رایج از مادری و ویژگی‌های نوعی یک مادر از نظر اجتماعی شایسته ایجاد کرده است؛ یعنی آنچه به طور سنتی در جامعه مورد نظر در خصوص نحوه ایفای نقش مادری ترویج می‌شود، با تغییراتی در نگرش زنان ایجاد شده است. برای مثال، نقش نان‌آوری و مسئولیت مراقبت از کودکان و یا تامین نیازهای حیاتی خانه، تغییراتی حاصل شده که زنان رشتی دیگر همچون گذشته اهتمام چندانی به مردان‌آور در مقابل زن‌خانه‌دار و یا مرد بیرون از خانه و زن تربیت‌کننده فرزندان ندارند (کرم‌زاده طولارود، رحمتی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۵۶). این امر نشان دهنده بحث معنایی و توجه به غنابخشی و رهایی‌بخشی در لایه‌های مختلف زندگی زنان است. از این رو، با بساخت محیط به صورت فعالانه درصدد بازیگری و کنشگری خلاقانه هستند تا از این طریق بتوانند ارزش‌های خاص خود را پیگیری کنند.

از این رو، شاهد نوعی تحول نگرشی در بین زنان و مادران هستیم که تجارب خاص آنها از مادری را تغییر داده است. این نوع از تغییرات اجتماعی و تحول در نقش‌های زنان در خانواده باعث تعداد کمتر فرزند شده که زنان داشتن یا نداشتن فرزند را به مثابه انتخابی می‌دانند که می‌تواند به خاطر انتخاب‌های دیگر به تعویق افتاده یا سرکوب شود (حمیدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶). فراغت بیشتر، پاساژگردی و تفریح، رفتن به پارک و فضاهای عمومی جهت ورزش به صورت خانوادگی و الگوهای مصرفی ورزشی و حرکتی براساس سبک تفریحی مشارکتی یا غیرمشارکتی (دستوم و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷) نیز از دیگر جلوه‌های این موضوع است. افزون بر این، زنان رشتی با ورود به بازار کار و کسب درآمد فضاهای شغلی غیررسمی زیادی در بازار سنتی رشت و سایر فضاهای شهری پیدا کرده‌اند و در نتیجه به نوعی فردیت، تشخص و مستقل شدن را تجربه می‌کنند که در کنار گذران فراغت در قالب ورزش، هنر و پیاده‌روی با هم‌سنگ‌های خود، به مصرف فرهنگی و مادی گرایش پیدا کرده‌اند. بدین ترتیب، تحولات روز جامعه باعث ایجاد فضاهای کنشی متداخل و بعضاً دوسویه‌ایی شده است که در آن، احساس قدرت و بازنمایی خود در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی نمود دارد، که از طریق آن مادران خواهان حضور در اجتماع یا رسیدگی به جسم خود و یاد گرفتن مسائل روز، تجربه مصرف فرهنگی، اوقات فراغت و توجه به فردیت خود در سپهر مصرف رسانه‌ای و غیره هستند. از این رو، مادرشدن با اینکه همیشه یکی از اصلی‌ترین نقش‌های زنان در شهر رشت بوده است، اما اخیراً با توجه به تغییرات دیدگاهی و افزایش انتخاب‌های پیش روی زنان از جمله تحصیلات، اشتغال و تفریحات گوناگون و مادرشدن لزوماً به عنوان نقش قطعی زنان شناخته نمی‌شود و آنان می‌توانند فرصت‌های جایگزینی را برگزینند تا خود را پدیدار سازند و درصدد هستند که بین مادری و غیرمادری خود انطباق حاصل کنند؛ بدین ترتیب، این پژوهش که در بین زنان متاهل دارای فرزند شهر رشت انجام شده، به مطالعه تجارب زیسته مادران از تحولات نقشی خود می‌پردازد. لذا، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که درک زنان رشتی از تحولات نقش مادری خود چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

توجه به زندگی زنان و تأثیر نقش مادری در سایر عرصه‌های زندگی شخصی و اجتماعی آنها باعث توجه محققان به این گروه از جامعه شده است. لذا، نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در حوزه مادری نشان از این دارد محققان در سال‌های اخیر در خصوص مادری از دیدگاه‌های مختلف مورد پژوهش قرار گرفته است. این تحقیقات در استان گیلان و به خصوص شهر رشت محدود بوده‌اند، این در صورتی است که در بیان مسئله به مسئله‌مند بودن این موضوع اشاره کردیم. از این رو، این پژوهش ضمن نوآوردن، ضرورت انجام خود را نشان می‌دهد. با این حال، پژوهش‌های انجام شده با روش‌های تحقیق مختلف از کمی و کیفی انجام شده است که در

ادامه به برخی از آنها اشاره شده است. کرمزاده طولارود، رحمتی و قاسمی (۱۴۰۳) در پژوهشی نشان دادند که بین سبک زندگی و نگرش به نقش مادری زنان رشتی رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که با مدرن شدن سبک زندگی، نگرش به نقش مادری در زنان نیز مدرن شده و این مسئله در کلیه جنبه‌های سبک زندگی نظیر مدیریت بدن، سبک خرید، مصرف فرهنگی و اوقات فراغت به چشم می‌خورد. خادمی، اعلمی و مرادی (۱۴۰۲) در پژوهش خود نشان دادند که برقراری تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی، برای مادران تحصیل کرده دیندار، مسئله‌ای جدی است که فراتر از چالش‌های نظری، پیچیدگی‌ها و دشواری‌های عملی را در پی دارد. حسنی و محمدزاده (۱۴۰۲) در پژوهش خود نشان دادند که تجربه زیسته مادران سرپرست خانوار از نقش‌های خود تحت پنج مقوله اصلی «مادری نگران»، «فداکاری مادرانه»، «هویت‌یابی از نقش‌های متکثر و متعارض»، «فشار مالی مضاعف»، «سازگاری نابهنجار» قرار دارد. در پژوهشی عسکری‌ندوشن و رازقی نصرآباد (۱۴۰۲) نشان دادند که زنان در تحول نقشی خود با چالش‌های در خصوص شغل (محیط کار)، تربیت فرزندان، درآمد و آموزش کودکان روبرو هستند. سفیری و زندی (۱۴۰۰) در مطالعه خود نشان دادند که زنان اراکی با مادری همدلانه، جبرانی، آگاهانه، رقابتی و مادری به معنای برنامه‌ریزی، در مورد چگونگی مادری‌شان بازبینی می‌کنند. در پژوهشی دیگر انتظاری و افضلی (۱۳۹۹) نشان دادند که مادران براساس «معنا» به عنوان یک مفهوم هسته‌ای، سه نوع اصلی مادری را نشان می‌دهند که عبارتند از: مادری انتخاب‌گر، مادری مردد و مادری گریزان. احمدی‌فراز، عابدی و آذربیزین (۱۳۹۳: ۱۱) نشان دادند تجارب زنان شاغل از مادری خود حول چتر حمایتی، تفویض نقش، تداخل نقش، کشش نقش، سازگاری تدریجی و فرسایش نقش است.

در بین محققان خارجی نیز پژوهش‌هایی انجام گرفته است. نل، ناود، پیوتروسکی^۱ (۲۰۲۴) نشان دادند که زنان در تحولات نقشی انزوای اجتماعی، زمان محدود برای مراقبت از خود، ارزیابی مجدد نقش‌های شغلی و مادری و تأثیرات بر هویت شخصی و مادری خود را تجربه کرده‌اند. لورن، واینلند، ساندر، رمبک و گان^۲ (۲۰۲۴) نشان دادند که تجارب مادران از تجربه زیسته خود از چهار مؤلفه به هم پیوسته تشکیل شده که در آن تحول هویتی از نقش‌های قبلی، ایجاد شادی برای خود و خانواده، قبول ریسک‌های جدید و بازنمای خود در رسانه از این موارد بود. یافته‌های پژوهش یولیزاواتی، ماپوترا، انوسنتریس^۳ (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که فرآیند تحول و تغییر نقش مادری، خود را در مؤلفه‌های تجربه احساس بی‌کفایتی، احساس تنهایی، از دست دادن رضایت درونی، سپس توانایی درک، تعدیل و ایفای این نقش‌ها نشان می‌دهد. پریخیدکو، آلنا، سوانک و جاکولین^۴ (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که مادران درصدد تحقق خود در شکل‌های مادرانه به صورت مادری انتخابی، مادری همه‌فن حریف، مادری ایده‌آل رسانه و مادری مسئولانه هستند.

در خصوص جمع‌بندی و نقد تحقیقات پیشین باید گفت: عمدتاً تحولات مادری با توجه به تضادهای کار-خانه بررسی شده است؛ گویی به صورت گریزناپذیری کار زنان منجر به تحول در نقش‌های اولیه مادری شده است. از دیگر مواردی که در تحقیقات پیشین مغفول مانده به تحولات نقشی مادران برمی‌گردد. بیشتر تحقیقات این حوزه بر تغییر ساختار خانواده تمرکز کرده‌اند. تکیه افراطی بر رویکردهای فمینیستی در چارچوب نظری نیز نکته مهم دیگری است که این تحقیقات را با تقلیل‌گرایی نظری روبرو ساخته است. با وجود قدرت رویکردهای فمینیستی در دهه‌های اخیر، اما این رویکردها نگاه سیستمی و چندوجهی به نقش زنان ندارند. غفلت از نگرش به نقش مادری و تحولات حول آن از دیگر نقدهای است که می‌توان به تحقیقات پیشین وارد دانست. این تحقیقات بیشتر

^۱ Nel, Naude, Piotrowski

^۲ Loren, Helena, Weineland, Sandra, Rembeck & gun

^۳ Yulizawati, Maputra, Enosentris

^۴ Prikhidko, alena, swank & Jacqueline

وظائف و تکالیف مادری را بررسی و از بررسی تحولات رخ داده غفلت کرده‌اند. به این معنا در این تحقیقات، معانی و فهم زنان از مادری را در بستر خانواده بررسی شده و تحولات برونی حادث بر زندگی زنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در نتایج خود همچنان در قالب رویکردهای ساختاری و پدرسالارانه باقی مانده‌اند.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

رویکردهای مختلفی نسبت به مادری و نقش زنان وجود دارد. این رویکردها در جهت حساسیت‌های نظری و مفهومی در تحقیقات کیفی است. لذا، ابتدا با ارائه رویکردهای مختلف در قالب مبانی و ملاحظات نظری سعی شده تا حد ممکن فضای مفهومی مادی فهم و در نهایت چارچوب مفهومی پژوهش ارائه شود.

الیزابت بات، درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای همبسته می‌داند که زوجین بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندی، دوستان و همسایگان نزدیک‌تر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به‌عنوان زوج زناشویی تفکیک شده‌تر بوده و بیشتر تابع سلسله‌مراتب است. عکس قضیه نیز مصداق دارد، هر چه شبکه‌ها کم تراکم‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه کمتر نشانگر جدایی و تفکیک هستند. بات این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند (سگالن، ۱۳۸۰: ۲۵۴). در صورتی که زن و شوهر هر یک به شبکه متراکم تعلق داشته باشند و پس از ازدواج نیز این شبکه‌ها حفظ گردند، رابطه خانوادگی ناشی از ازدواج آن دو به این شبکه روابط اضافه می‌شود، زیرا هریک از زوجها دوستان و آشنایانی دارند که می‌توانند در خارج از خانواده به آن‌ها کمک کنند. اما اگر شبکه اجتماعی پراکنده باشد، افراد در شبکه یکدیگر را نمی‌شناسند. بنابراین، وفاق اجتماعی و همیاری اعضا به علت تنوع و گوناگونی در هنجارهای درون شبکه، کمتر خواهد شد (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

السون (۲۰۱۰) مدل خود را بر اساس رویکرد سیستمی مبتنی بر درجه انسجام درون خانواده مطرح کرد. وی از ترکیب بعد انسجام و انعطاف‌پذیری ارتباط خانواده‌ها را از هم جدا می‌سازد که این مدل را تحت عنوان مدل مدور ترکیبی نام‌گذاری کرد (مستوفی-سرکاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۱-۱۰۲). انسجام، به عنوان یکی از ساختارهای بانفوذ خانواده، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای خانواده نسبت به هم دارند. ابعاد اصلی خانواده از دید السون، انسجام، انطباق‌پذیری، ارتباط و رضایت است. در نگاه السون خانواده‌های قوی و توانمند دارای شاخص‌هایی هستند که آنها را از نظر عاطفی سالم و شاد نگه می‌دارد، این شاخص‌ها عبارت است از: (۱) پایبندی به خانواده، (۲) قدردانی و محبت نسبت به یکدیگر، (۳) ارتباط مثبت، (۴) وقت گذاشتن لذت‌بخش با یکدیگر در زمان‌های مناسب، (۵) احساس سلامت معنوی و (۶) توانایی تحمل فشارها و بحران‌ها (مستوفی-سرکاری و همکاران، ۱۳۹۸).

رویکردهای فمینیستی از مهم‌ترین نظریات مادری هستند. برای مثال می‌توان به اندیشه دوبوار^۱ اشاره کرد. «او مادربودن را اصلی‌ترین ویژگی می‌دانست که باعث می‌شود زنان به‌عنوان «دیگری» دیده شوند و آنها را به ماندگاری گره بزنند. او احساس می‌کرد که زنان مجبورند مادری را جوهره زندگی خود و تحقق سرنوشت خود بدانند» (دوبوار، ۱۹۵۳: ۴۸۴). از نظر او، تصمیم برای مادر شدن هرگز «در آزادی کامل» انجام نمی‌شود و نه حتی از طریق آزادی‌های دیگر (همان: ۶۹۶). او مادری را به‌عنوان زایمان اجباری می‌دید (همان: ۷۲۴). از این منظر، او کلی نیز مادری را اسطوره‌ای می‌داند که نهادهای فرهنگی جامعه در پیدایش و تقویت آن بیشترین سهم را دارند و با روشن کردن ابعاد اسطوره‌ی مادری شامل نیاز کودک به مادر، نیاز مادر به کودک و مادری به‌منزله بزرگترین

¹ de Beauvoir

دست‌آورد زندگی زنان، توجه خود را معطوف به شکافی کرد که بین تصور از مادری (زایمان) و واقعیت آن وجود دارد. او کلی استدلال می‌کند این عقیده که همه زنان از غریزه مادری برخوردارند و سلامت روان مادران زمانی که بچه‌ای به دنیا آورند و پرورش آن را به دیگری واگذار کنند آسیب جدی می‌بیند، ناشی از فرض مادری به مثابه نقشی مطلوب برای زنان است (آبوت و والاس، ۱۳۹۶).

سگالن نیز با تأکید بر تحولات هویتی زنان استدلال می‌کند تحولاتی که در ساختار خانواده و نقش‌های زنان رخ داده، زمینه دگرگونی شخصیت و هویت اجتماعی زنان را فراهم نموده است. تعامل تغییرات نهادی و ساختاری یاد شده و نهضت‌های اجتماعی زنان زمینه‌ساز بازاندیشی در ارزش‌ها، آرمان‌ها و نهایتاً هویت‌های شخصی و اجتماعی آنان شده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷۷). از آنجایی که زنان عاملان تولید مثل انسانی هستند، شناسایی زاویه نگاه و نگرش آنان نسبت به نقش یا هویت مادری با توجه به ارتباط نزدیک آن با فرزندخواهی و ساز و کار تحولات این نقش بر باروری آنان نیازمند توجه ویژه است (دراهمی و اخوان‌ارمکی، ۱۴۰۲: ۲۴۹).

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد تقسیم نقش‌های بات است. در رویکرد تقسیم نقش‌های بات با مناسبات تفکیکی نقش‌ها روبرو هستیم که در آن نوعی همپوشانی و تراکم در وظائف زناشویی وجود دارد که در آن طرفین مکمل هم هستند و روابط و مناسبات آنها در عین حال که تفکیکی است اما پراکنده و متضاد نیست. در این رویکرد که جنبه اجتماعی دارد، زنان همچون مردان دارای شبکه مترابلی از روابط هستند که زدودن آنها براحثی ممکن نیست. از این حیث این رویکرد نقش مادری نقشی وابسته به تراکم روابط و شبکه‌ای می‌داند که زنان در آن قرار دارند. دلالت این رویکرد از این حیث برای ما مهم است که، تقسیم نقش‌ها در درون خانواده بیش از آن که یک پدیده طبیعی یا ذاتی برای انسجام و تعاملات پایدار خانواده باشد، به رابطه طرفین با محیط اجتماعی‌شان و نوع شبکه اجتماعی خانواده (متصل یا پراکنده) بستگی دارد. اگر زوجین کمک و پشتیبانی گروه‌های دیگر را به دست آورند وظایف هر یک به کمک افراد هم جنس دیگر خود از گروه‌های خارج از خانواده وابسته خواهد شد اما اگر این کمک‌ها و پشتیبانی‌ها نباشد زن و شوهر به یکدیگر وابستگی متقابل می‌یابند که به انسجام واقعی خانواده می‌انجامد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است. واحد مورد مطالعه کلیه زنان مادران دارای فرزند شهر رشت هستند. نمونه‌گیری به صورت «هدفمند» انجام گرفت و نمونه‌ها بر اساس معیارهای همچون «معیار علاقه، معیار تناسب، معیار تنوع و معیار رشد و رسش ذهنی»^۱ انتخاب شدند تا امکان مشارکت در پژوهش، تناسب بین اهداف و سوالات پژوهش، نیل به کدها و مضامین، توانایی مصاحبه و پاسخ عمیق و مطلوب به سوالات مصاحبه و نیز تجارب غنی و زنده را برای محقق فراهم سازند. ابزار گردآوری داده‌ها «مصاحبه نیمه ساختاریافته» است که بعد از مصاحبه با ۲۵ نفر «اشباع داده‌ها» حاصل شد. اشباع زمانی حاصل شد که به تجربه و بر اساس تکرار داده‌ها متوجه شدیم که دیگر اطلاعات تازه‌ای حاصل نمی‌شوند که بتوان بر اساس آن مضامین جدید کشف کرد. به منظور تحلیل و کدگذاری داده‌ها از تحلیل «مضمون»^۲ یا تحلیل «تماتیک» استفاده شده است. بر این اساس، ابتدا پیاده‌سازی و خواندن سطر به سطر داده‌ها به منظور رسیدن به درک منسجم از آنها انجام گرفت. سپس، مهم‌ترین واحدهای معنادار (که می‌تواند یک عبارت و یا یک کلمه باشد) از متن جدا شده و دسته‌بندی شدند و کدهای باز و اولیه استخراج شد. در ادامه، استخراج مضامین و بازنگری آنها انجام

^۱ به این معنا از نظر توانایی صحبت کردن، خوانده و نوشتن، توانایی ادامه گفتگو و نیز تسلط بر هیجان‌های خود امکان مصاحبه داشته باشند.

^۲ Thematic analysis

گرفت و با دسته بندی آنها بر اساس مشابهت معنایی مضامین فرعی استخراج شدند. در گام بعدی با تعریف و نام گذاری آنها، مضامین استخراج شده در یک فرایند نظامند در قالب مضامین اصل یا حصاء و دسته بندی شدند. در گام آخر، تدوین متن و گزارش نهایی ارائه شد. اعتبار داده‌ها نیز از طریق «استنادپذیری (ارائه نقل و قول‌های مرتبط با متن)، انتقال‌پذیری (پختگی در نگارش متن به نحوی که برای مخاطب به سهولا قابل فهم باشد)، بازبینی توسط متخصصان و اساتید راهنما و مشاور (طراحی سوالات مصاحبه و نیز فرایند کدگذاری و استخراج مضامین توسط آنها بازبینی و تعدیل و حذف و اضافه صورت گرفت)، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان (متن مصاحبه‌ها در اختیار آنها قرار گرفت که در فرایند پیاده‌سازی و یا نگارش متن دخل و تصرفی صورت نگرفته باشد و ابهامات احتمالی رفع شود) و غوطه‌وری محقق^۱» حاصل شد. در نهایت، به منظور حفظ ملاحظات اخلاقی از ذکر نام و مشخصات خاص مشارکت‌کنندگان اجتناب کردیم.

۵- یافته‌های پژوهش

مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

سن	تحصیلات	تعداد فرزندان	وضعیت تأهل	شغل همسر	درآمد	اشتغال
۵۸	ابتدایی	۶	متاهل	مغازه‌دار	مقرری بنیاد شهید	خانه‌دار
۶۵	ابتدایی	۴	متاهل	بیکار	۴ میلیون	خیاط
۵۲	راهنمایی	۴	متاهل	معلم	۱۲ میلیون	خانه‌دار
۶۳	ابتدایی	۴	متاهل	جوشکار	۱۱ میلیون	خانه‌دار
۵۰	راهنمایی	۲	متاهل	آزاد	۱۴ میلیون	خانه‌دار
۵۶	لیسانس	۲	متاهل	آزاد	۱۳ میلیون	مدیر فرهنگی ۲
۵۴	لیسانس	۲	متاهل	کارمند	۶۷ میلیون	منشی دفتر وکیل
۵۹	بی‌سواد	۳	متاهل	مغازه‌دار	۵ میلیون	کار در مغازه شوهر خود
۵۰	لیسانس	۳	متاهل	معلم	۳۰ میلیون	معلم
۳۹	کارشناسی ارشد	۱	متاهل	آزاد	۱۴ میلیون	کارمند استانداری
۳۵	کارشناسی ارشد	۱	متاهل	پرستار	۳۰ میلیون	کارمند منابع آب
۴۵	بی‌سواد	۲	متاهل	قصاب	۱۵ میلیون	خانه‌دار
۳۹	دیپلم	۱	متاهل	مغازه‌دار	۲۰ میلیون	مغازه‌دار
۴۱	کارشناسی	۳	متاهل	بنگاه‌دار	۴۰ میلیون	خانه‌دار
۳۸	دکتر	۳	متاهل	پزشک عمومی	۵۰ میلیون	پرستار
۲۸	کارشناسی	۱	متاهل	معلم	۲۵ میلیون	مهدکودک

^۱ آشنایی محقق با منطقه مورد مطالعه و نیز مشاهداتی که در سال‌های اخیر به‌عنوان فعال سمن‌های خاص زنان در فرمانداری رشت داشته است، به‌خوبی توانست در مراحل مختلف گردآوری و تحلیل داده‌ها از یک سو و نیز نیل به داده‌های غنی و با کیفیت از سوی دیگر مدد رسان باشد. بنابراین، غوطه‌وری محقق در سال‌های گذشته و رفتن به لایه‌های زیرین این پدیده و آشنایی با افق‌های ذهنی زنان مورد مطالعه هم در نیل به داده‌های معتبر و هم در کشف صحت و سقم داده‌ها توسط مشارکت‌کنندگان کمک شایانی کرد که انتخاب هدفمند نمونه‌ها را نیز تسهیل کرد.

^۲ هم اکنون بازنشت شدند.

سن	تحصیلات	تعداد فرزندان	وضعیت تأهل	شغل همسر	درآمد	اشتغال
۳۰	کارشناسی	۳	متاهل	نظامی ۱	۱۳ میلیون	خانه‌دار
۴۲	دانشجوی دکترا	۴	متاهل	بازنشسته ۲	۱۷ میلیون	مدرس دانشگاه ۳
۳۲	دیپلم	۲	متاهل	مکانیک	۱۵ میلیون	خانه‌دار
۳۵	کارشناسی	۱	متاهل	کارمند اداره برق	۳۲ میلیون	مغازه دار ۴
۴۰	کاردانی	۳	متاهل	قالیشویی	۳۰ میلیون	خانه‌دار
۲۹	لیسانس	۱	متاهل	فروشگاه لوازم برقی	۴۰ میلیون	منشی همسر
۳۸	کارشناسی ارشد	۲	متاهل	کافه‌دار	۲۵ میلیون	ذکر نکرد
۳۴	کارشناسی	۳	متاهل	پستچی	۱۲ میلیون	خانه‌دار
۲۸	دیپلم	۲	متاهل	بیکار ۵	۱۵ میلیون	آرایشگر

با عنایت به کدگذاری و دسته‌بندی، طبقه‌بندی و در نهایت سازمان‌دهی عبارت معنایی اولیه، ابتدا ۲۴۸ درون‌مایه و عبارت معنایی باز و اولیه استخراج شد. در مرحله بعد، آنها را بر اساس اشتراک و افتراق معنایی طبقه‌بندی کردیم و ۹۸ درون‌مایه پایه احصاء کردیم. در مرحله بعد، با تجمع و طبقه‌بندی مجدد درون‌مایه‌های پایه، ۳۸ درون‌مایه فرعی استخراج و در نهایت با تقلیل مفهومی درون‌مایه‌های فرعی، ۱۰ درون‌مایه اصلی و فراگیر «مادری جبرانی، مادری مشارکتی، مادری اکتسابی-انتخابی، مادری شبکه‌ای، ارزشمندی عواطف و احساسات، اوقات فراغت، خودتداوم‌بخشی و عاملیت، همسری برابر، دوگانه کار-خانه و تشخیص و تمایزبایی» حاصل شد. در ادامه، فرایند استخراج کدها، مضامین فرعی و اصلی از طریق ارائه یک نمونه تشریح شده است.

جدول ۲: مضامین فرعی و اصلی استخراج‌شده

مضامین اصلی	مضامین فرعی
مادری مشارکتی	مراقبت مشترک از فرزندان
	نان‌آوری مشترک
	تصمیم‌گیری مشترک در امور زندگی
	تفاهم و گفتگوی برابر
مادری جبرانی	رسیدگی به محرومیت‌ها
	جراحی و نمایش زیبایی
	مدیریت بدن
	گردش و سفر
مادری اکتسابی و انتخابی	انتخاب فرزندآوری
	دوری از باروری

^۱ شاغل در ارتش

^۲ بازنشسته اداره آب و فاضلاب

^۳ مدرس دانشگاه آزاد و علمی کاربردی

^۴ مغازه لباس فروشی زنان

^۵ به دلیل تعدیل نیرو در شیلات

مضامین اصلی	مضامین فرعی
مادری چندساختی و شبکه‌ای	پذیرش فرزندخواندگی
	افتخارداشتن مادری
	فعالیت در گروه‌های زنانه
	توجه همزمان به خانه / کار / فراغت
	دوری از یکنواختی و بطالت
ارزشمندی عواطف و احساسات	عضویت در انجمن‌های دوستانه
	توجه به عشق دوطرفه
	ابراز و پاسخ‌دهی به احساسات
	همدلی و درک متقابل
فراغت فردی	ابزار جنسی نبودن
	حفظ حریم خصوصی
	دوری از کارهای خانه و فرزندان
	پیگیری علائق فردی
خودتداوم بخشی و عاملیت	گردش و ورزش فردی
	مشارکت‌جویی اجتماعی
	خودتوانمندسازی
	دوری از انفعال
همسری برابر	هویت اثربخش
	دوری از تبعیض مردسالارانه
	قدرت تصمیم‌گیری در خانواده
دوگانه کار و خانه	حقوق برابر در درآمد و مسئولیت‌ها
	سردرگمی در انجام وظائف
	خستگی و ضعف جسمی
تشخص و تمایز یابی	تداخل نقش مادری و کاری
	ابراز وجود مجازی
	حس مهم بودن و ارزشمندی
	دیده شدن و جلب توجه مردان
	متفاوت و خاص بودن در بین اقوام

۵-۱. مادری مشارکتی

الگوی مشارکتی از مادر بودن، ارزش زندگی را در همانندی و برابری می‌داند که نه تنها مانع فعالیت‌های مادری آنها نیست، بلکه با تقسیم وظائف و نقش‌ها، آنها را در مسیر پیگیری اهداف خاص خود از جمله فراغت فردی (به این مضمون در ادامه پرداخته‌ایم) می‌کشانند که از نظر آنها کمی برای بهتر انجام دادن وظایف مادری شان محسوب می‌شود: «ما به جورایی به صورت نانوشته کارها رو با هم و در کنار هم انجام میدیم. مثلاً بردن بچمون به مدرسه و یا حتی خریدها اون دیگه فقط با من نیست. حتی موقعی هست که آشپزی رو اون [شوهر] انجام میده یا در مورد خرید خونه تصمیم‌گیری هر دو طرف بود» (مشارکت‌کننده شماره ۱۴).

مادری مشارکتی با عبور از مادری تک‌ساحتی با محوریت مسئولیت‌های مالی و غیرمالی خانه با مردان، انفعال و تسلیم‌پذیری زنان در مقابل چالش‌های زندگی را کاهش داده و فعالانه آنها را در جریان زندگی وارد کرده است. از این حیث، تماشاگری آنها کم-رنگ شده و درجاتی از مشارکت را برای آنها فراهم کرده است. مشارکت در تربیت فرزندان، مشارکت در تامین امور اقتصادی خانه، تصمیم‌گیری‌های مهم و اثربخش، فرزندآوری، جابجایی محل سکونت و حتی انتخاب شغل در بین زنان نشان می‌دهد که آنها از نقش مادری سنتی عبور کرده و از این جهت خود را همسان مردان مسئول زندگی می‌دانند.

۵-۲. مادری جبرانی و ترمیمی

مادری جبرانی و ترمیمی به بازاندیشی در کنش مادری، به منظور جبران کمبودهای خود مادر و عدم وجود آن کمبودها و تجربه‌های منفی در زندگی مشترک می‌باشد. نرسیدن به امیال در دوران مجردی و نیز کمبود محبت‌ها و اشتغال به فعالیت‌های خانه و عدم ادامه تحصیل، به صورت‌های مختلف زندگی مادران را تحت شعاع قرار داده است. لذا، با ورود به زندگی جدید و حس کردن تجربه مادری، درصدد این هستند که این کمبودها را جبران و عوارض احتمالی آنها را ترمیم کنند. از این جهت، تجربیات منفی و محدودکننده با زندگی مادری به حاشیه رفته و بخشی از زندگی آنها معطوف به بازدارندگی در این خصوص می‌باشد: «من نمی‌خواهم مثل مادرهای خودمون زندگی کنم و فقط دنبال فداکردن زندگی خوم برای بقیه باشم. علاوه بر کمبود محبت، مشکلات مالی زیادی داشتیم. من به همسر هم گفتم که واقعاً می‌خواهم مدتی به خودم حال بدم. حتی بچمون هم هیچ کمبودی نداشته باشه. من مادرم، درسته، اما قرار نیست که همش در خدمت بقیه باشم. دوست دارم خودمو بسازم و مثل اونهایی که میرن مواد ترک میکنن و یه آدم دیگه میشن. منم همینو می‌خواهم و بهشتم میرسم» (مشارکت کننده شماره ۱۳).

از این حیث، ترمیم و جبران صرفاً امری خودخواهانه و معطوف به ارضای نیازهای مادی و عاطفی مادران نیست، بلکه در سطحی عمیق‌تر به تسهیل نقش مادری و ایفای مسئولیت‌های درون و بیرون از خانواده نیز به آنها کمک می‌کند و قدرت آنها در مواجهه با شرایط سخت را مضاعف می‌سازد: «من می‌خواهم مثبت باشم و خیلی عقده ای نباشم که بچه و همسر رو هم تحت تأثیر قرار بدم. مادران ما واقعاً هیچی نداشتن و فقط به فکر بقیه بودم و الانم میبینیم که با هزار آه و افسوس پیر شدن بدون اینکه خوشی و لذتی برده باشن» (مشارکت کننده شماره ۱۷).

۵-۳. مادری اکتسابی و انتخابی

مادران مورد مطالعه اذعان داشتند که همچون گذشته فرزندآوری یک ارزش و افتخار محسوب نمی‌باشد که باید بر اساس اجبارهای قومی، مردسالاری و یا استمرار نسل فرزند یا فرزندانی داشت. به تعبیری مادرشدن یک اکتساب است که می‌توان آن را بدست آورد یا نه. از این حیث برای زنان (به صورت مطلق) مادرشدن برایشان خیلی واجد دلالت‌های معنابخشی نبوده که بر اثر آن بخواهند انگیزه زندگی داشته باشند. سختی‌های زندگی، فشارهای مالی و نیز دلایلی چون اجتناب از ننگ نازآلودن، فشار اطرافیان، عشق به همسر و نیز داشتن خلاءهای مادی و عاطفی در دوران کودکی خود (به مضمون مادری جبرانی و ترمیمی مراجعه کنید) منجر به مادرشدن آنها شده است: «من خودم خواستم بعد از یازده سال زندگی متأهلی مادر بشم وگرنه خیلی برام مهم نبود. این یه دونه بچه‌ای که دارم هم کافیه. خیلی هم دوستش دارم و براش هزینه می‌کنم. دیگه مادرشدن دردسره تا اینکه افتخار باشه. قبلاً هر کی ده بچه داشت میگفتن زن زندگیه. الان دیگه زن ها مادر نمیشن» (مشارکت کننده شماره ۲۹).

بنابراین، ارزش‌های مادری چیزی است که بر اساس اقتضائات زندگی حاصل می‌شود که می‌توانند آن را انتخاب کنند یا انتخاب نکنند. از آنجایی که مادری اکتسابی با فرزند کمتر و یا حتی فرزندخواندگی همراه است، لذا امکان فرسایش ناشی از تنهایی زنان نیز همراه است و از این طریق این فرصت را به زنان می‌دهد که برای کاهش استرس‌های ناشی از تنهایی به مصرف بیشتر، خوداظهاری، نمایش مجازی، پیدا کردن شریک عاطفی فرازناشویی و غیره سوق می‌دهد. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ می‌گوید: «*لان زنان می‌گن که زیبایی ما خراب میشه و فرم بدنمون بهم می‌خوره اگه بچه دار بشیم. مثلاً می‌گن شکم می‌اریم و پوست صورتمون میفته. بعضیا هم بچه نمیارن تا راحتتر باشن و به خودشون برسن. این زیاد شده و هست.*»

۵-۵. مادری چندساحتی و شبکه‌ای

بازاندیشی در مورد چگونگی مادری در بین مادران امروزی در شهر رشت، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد که در اثر آن مادران دیگر خود را در کارهای منزل و شغل خود محدود نمی‌کنند. مادران با ورود فعالانه به دنیای اجتماعی و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی، به طور همزمان به خانه، شغل، فرزندان و روابط زناشویی خود می‌پردازند. لذا، از این طریق ضمن اینکه از یکنواختی و بطالت جلوگیری می‌کنند، سعی دارند از فرصت‌های اجتماعی جهت ارتقای قابلیت‌های خود استفاده کنند. مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: «*قبلاً اینطوری نبود. ما خونه بودیم و این بچه که به دنیا می‌ومد بعدی می‌ومد. وقت نبود که به خودمون برسیم. این گوشی‌ها نبود. الان این گوشی‌ها شده زندگی دخترا و دنبال بچه‌داری و خونه نیستن. برا خودشون غذا هم درست نمیکنن. الان میرن بیرون، میرن درس می‌خونن، میرن آشپزی و آرایشگری یاد می‌گیرن. دوره ما اینها نبود فقط بچه و شوهرداری بود.*»

افزون بر این، مادران با عضویت در شبکه‌های دوستانه و گروه‌های خاص زنان، سعی دارند برای خود هویت زنانه‌ای ایجاد کنند که از طریق آن بتوانند از روزمرگی و مادری صرف در خانه، ممانعت به عمل بیاورند. این وضعیت با تقسیم همزمان فعالیت‌های خانه، کار و فراغت آنها همراه است که باعث شده زنان فراتر از مادری مشارکتی (به این مضمون مراجعه کنید) که بر مشارکت در کارهای منزل بین زن و مرد تأکید دارد، آزادی عمل بیشتری بدست آورند. این وضعیت، شبکه‌هایی از تعاملات همسایگی، کاری، غیرکاری، دوستانه و حرفه‌ای برای آنها ایجاد کرده که فراتر از نقش‌های سنتی مادری است: «*لرومی نداره من خونه بمونم. بمونم بیوسم؟ میرم بیرون و بین زن‌ها گروه داریم و با هم در ارتباطیم. تو فضای مجازی هم همینطور. ما با هم سفر یه روز هم رفتیم. با همسایه‌ها صندوق وام داریم که هر ماه به یه نفر میرسه. دیگه دوره مادری که تو خونه باشه و مثل مرده‌ها زندگی کنه تموم شد.*» (مشارکت‌کننده شماره ۱۶).

۵-۶. ارزشمندی عواطف و همدلی

مادران نسل فعلی با عبور از نگاه‌های صرف جنسی و نیز عدم پابندی به فرزندآوری و نگاه انتخاب/اکتسابی به آن (به این مضمون مراجعه کنید)، نقش‌های خود را مورد بازاندیشی قرار داده و از این حیث درصدد هستند که افزون بر ترمیم و جبران سرخوردگی‌های عاطفی پیشین (به مضمون مادری جبرانی و ترمیمی مراجعه کنید)، در مرکز عواطف و احساسات ناب همسر خود باشند. از این حیث، با دریافت عواطف و احساسات آنها تصور می‌کنند که به تعهد همسر خود مواجه هستند که امکان زندگی مطلوب را برای آنها فراهم می‌سازند و اجازه نمی‌دهد که زندگی یکنواخت و تک‌بعدی باشد: «*عشق و دوست داشتن و محبت برای من مادر مهمه. خیلی چیزهای دیگه با محبت حل میشه و ارزش زندگی بالا میره. مادرهای ما (البته من مادرم فوت کردن) که عشق و محبت ندیدن. اما*

الان بدون مهر و محبت دیگه زندگی معنا نداره. این مهر و دوستی هم باید در زبان گفته بشه نه فقط در قلب آدم باشه» (مشارکت کننده شماره ۲۷).

حمایت و همدلی عاطفی از این حیث برای مادران مهم است که این حس را برای آنها ایجاد می‌کند که در روند زندگی هدف هستند و نه ابزار؛ حمایت‌های ابزاری چون معطوف به یک چیز خاص (ترس، نگاه دیگران، پول، سکس، جایگاه، شغل و غیره) است، موقتی است و فرد حمایت را به‌خوبی درک نمی‌کند. علاوه بر این با از بین رفتن ابزار حمایتی، ارزش مادر در زندگی کم‌رنگ می‌شود و در شرایط خاص این حمایت از بین می‌رود و مادر خود را فاقد پناه و حمایت لازم می‌بیند. علاوه بر این، انگیزه زندگی و پیگیری اهداف بین‌فردی و خانوادگی کاهش می‌یابد و فضا برای شکاف‌های خانوادگی و خویشاوندی فراهم می‌شود: «می‌بینی که علاقه هست و محبت می‌بینی، انگیزه زندگیت بیشتر میشه. این چیزها قبلا نبود. ولی الان هست و مهمه. اعتماد به نفست بالا میره و اگه کمبودهایی داری / اونها رو هم نادیده می‌گیری.» (مشارکت کننده شماره ۱۲).

۵-۷. فراغت فردی

زنان دریافته‌اند که ماندن در خانه و یا پرداختن به کار و شغل، منجر به فرسودگی عاطفی و بروز تنش‌های روانی زیادی برای آنها شده و سلامت اجتماعی آنها را با مخاطرات جدی روبرو می‌سازد. افزون بر این، استقلال فردی و فراغت آنها خدشه‌دار می‌سازد. چیزی که در اینجا مهم است این است که زنان در گفته‌های خود بر این نکته تأکید داشتند که ماندن در خانه و توجه به فرزندان و یا شغل، منجر به این شده که مردان این کارها را وظیفه آنها دانسته و در نتیجه تلاشی برای مسئولیت‌های مشترک از خود نشان نمی‌دهند: «زن‌ها دنبال این هستند که برن ورزش و کلاس‌های که باعث میشه چیزی یاد بگیرن. به جورایی تفریح و به خود رسیدن و دوری از خونه موندنه. دیگه نمی‌صرفه بمونی خونه. موقعی که وقت داری چرا استفاده نکنی.» (مشارکت کننده شماره ۱۶).

فراغت زنان، نه در راستای کمک به اقتصاد خانواده است که به شغل آنها مرتبط شود و نه امری عادی است که در لحظاتی با سایر مادران هم‌رده خود، وقت‌شان را بگذرانند. بلکه نوعی جداسازی عامدانه است که در آن زنان حس می‌کنند باید از نظر ذهنی و روانی خود را از نقش‌های مادری مرسوم جدا کنند. لذا در این اوقات فراغت، مادران رشتی، به فضاهای همچون کافه‌ها، مراکز ورزشی، پارک‌ها، محافل کتابخوانی، میدان شهرداری، بازار سنتی و غیره آمده و زمان خود را به شکل دلخواه سپری می‌کنند. در همین راستا مشارکت کننده شماره ۲۰ اظهار می‌کند: «ما میایم و اینجا [محفل کتابخوانی] با هم قرار می‌ذاریم و برا خودمون هستیم. قبلا زنها کم بودن، الان خودت می‌بینی چندتا هستن. این چیزی که نیست که به کار خونه یا شغل برگرده. برای اینه حالمون بهتر بشه و به جورایی جمع دوستانه خودمونی هست. بعضی وقتا میریم کافه، میریم بازار، می‌ریم ایروبیک و به سری کلاس‌ها هم هست که بعضیا میان.»

۵-۸. خودتداوم‌بخشی و عاملیت

یکی از مهم‌ترین کدهای که در بین مادران مورد مطالعه رشتی تکرار می‌شد، توجه بر عاملیت آنها در زندگی بود. به این معنا زنان مطالبه استقلال‌خواهی دارند و بر این نظر هستند که بدون این مؤلفه نمی‌توانند خود را از سلطه نقش‌های گذشته خارج کنند. با عاملیت و تدوام‌بخشی به خود آنها ارزش وجودی خود را درک کرده و درصدد مشارکت‌جویی و ارائه یک هویت مستقل و در عین حال اثربخش از خود هستند. در اینجا، زنان با دوری از انفعال و پذیرفتن آن چیزهای که تحت عنوان تقدیر، قسمت، بخت و یا شانس تعبیر

می‌شود، خود را در بطن تحولات زندگی خانوادگی قرار داده و پذیرفته‌اند که مادری فقط در فرزندآوری و تدبیر امور منزل خلاصه نمی‌شود. افزون بر این، با پیگیری نظرات خود در خصوص چیزهای که برای خود مهم و اثربخش می‌دانند، کنترل و مدیریت زندگی زنانه خود را در دست گرفته و سعی دارند تا حد امکان در برابر چالش‌ها مقاومت کنند و به‌نوعی انسجام خود را تداوم بخشند. مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: «*الان دخترا و زن‌ها برا خودشون زندگی میکنن. کاری به شوهر و بچه ندارن. پول در میان. استقلال دارن و خیلی هم شجاع و آگاه هستن. سواد دارن و بلدن چطور حرف بزنن. مثل ما که نیستن که همش دنبال راضی کردن شوهر و بچه و این و اون بودیم و به خودمون نرسیدیم.*»

۵-۹. همسری برابر

مادران همچون گذشته بر حقوق خود در چارچوب مذهب یا قوانین موجود توجه کمتری دارند و بر این نظر هستند که مرد و زن باید برابر از مزایا و منابع برخوردار باشند. برای مثال، با توجه به مسئولیت‌های فرزندپروری و خانه‌داری بر این نظر هستند که باید ماشین، ارث و یا خانه به اسم آنها یا حداقل بخشی از آنها به اسم آنها ثبت شود. اعتباربخشی ناشی از این وضعیت انگیزه پیوندهای مجدد و عمیق‌بخشی به آنها را مضاعف کرده و ترس از شکست را مادران مورد مطالعه رشتی کاهش داده است. از این‌رو، رعایت انصاف و برابری در همسری از نظر ذهنی مادران را مستعد برقراری تعاملات بیشتر با سایر افراد کرده و از نظر عینی نیز رفتارهای فرد را به نحوی سازماندهی کرده که با کمترین تنش و چالش در خانواده همراه باشد. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ اظهار می‌کند: «*من از اول شرط کردم و بعد ازدواج کردم. ثبت هم کردم که همه چی برابره. چون خودم دیدم چطور زن عموم پرت شد. زن‌های دیگه هم دیدم که در حقشون ظلم شده. من برابری در همه چی رو قید کردم.*»

درون‌مایه همسری برابر با حقوق و مسئولیت‌ها فراتر از مذهب و یا قانون عمل می‌کند. این امر بیشتر قراردادی و برآمده از توافقاتی است که از بطن تحولات روز در ساختار خانواده‌ها ناشی شده است. در واقع، برخی زنان قواعد حقوقی موجود را ناعادلانه می‌دانند و بر این نظر هستند که در زندگی حق آنها تضعیف شده و لذا باید خود در تحقق آن بکوشند.

۵-۱۰. دوگانه کار و خانه

مادران امروز نسبت به مادران گذشته امکانات رفاهی بیشتری دارند و نیازی نیست به اندازه‌ی زنان قدیم از جسم‌شان کار بکشند؛ اما به‌دلیل تحصیلات و آگاهی بیشتر گزینه‌های بیشتری برای زندگی‌شان پیش رو دارند. در نتیجه مثل گذشته فکر نمی‌کنند که باید همه‌ی زندگی‌شان در خانه‌داری و فرزندآوری خلاصه شود؛ بلکه معتقدند باید به تعالی استعدادها و توانایی‌های درونی خود نیز اهمیت دهند. ضمن اینکه به‌دلیل حجم بسیار بیشتر مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناگزیرند پابه‌پای مردان برای تأمین معاش زندگی تلاش کنند و دیگر تنها زن خانه‌دار نباشند که بتواند تمام طول روز خود را صرف رسیدگی به خانواده‌اش کند. در عین حال به‌دلیل هماهنگ‌نبودن محیط کاری با وظایف مادری و همسری، زیر فشارها و استرس‌های شدید نیز قرار دارند. مشارکت‌کننده شماره ۸ می‌گوید: «*من دخترم رو می‌بینم، عروسم رو می‌بینم که چطور گرفتار کار هستن. من شدم مسئول بچه‌های اون‌ها! این کار و پول درآوردن قبلاً نبود. کشاورزی بود و دریا که برا مردا بود. زن‌ها هم خونه و بچه‌داری. این باعث جدایی و جنگ و دعوی زن و شوهرها شده و من اصلاً خوشم نمیاد. اما الان دیگه زن و مرد نداره.*»

۵-۱۱. تشخیص و تمایز بخشی

درون‌مایه تشخیص و تمایز یابی را می‌توان گفت اقدامی فعالانه و مبتنی بر ارزش‌ها و توانایی‌های درونی به منظور پیدا کردن معنا در بین مادران دانست. در اینجا، مادران با تکیه بر ظرفیت‌های درونی سعی در کسب بیشترین سود، منفعت، لذت و خودشکوفایی هستند و برای نیل به این هدف از ابزارهای بدنی، فضای مجازی و پیوندهای فراخانوادگی استفاده می‌کنند. مادران رشتی مورد مطالعه، به جای اینکه از وضع موجود دوری کنند و یا بی‌تفاوتی را اتخاذ کنند، فعالانه از وضع موجود استفاده و سعی در تغییر آن هستند تا از این طریق بتوانند به وجود خود تداوم و حیثیت ببخشند. لذا، مادران برخلاف گذشته که دیده‌شدن و ابراز وجود را امری شرم‌آور و یا حتی برباد دهنده آبرو و حیثیت خود و خانواده می‌دانستند، را کنار زده و ارزش‌های موجود را بازتفسیر کرده و سعی دارند که در صورت امکان آنها را تغییر دهند و دیگران را نیز با خود همراه سازند. این نقش بر خلاف نقش مادری حاشیه‌ای، با ایجاد امید و معنا از بطن سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، ارزشی و هنجارهای موجود و نیز با نوعی عاملیت و ایجاد زیست‌پذیری برای آنها همراه است: «الان زن‌ها بلاگر و مانکن هستن. بعضی‌ها با صدا و یا هنری که دارن خودشون رو نشون میدن و دیگه فقط توی خونه زندان نیستن. تلاش زن‌ها اینه که بقیه اون‌ها رو ببینن و تشویق کنند که مثلاً چه هنر و استعدادی دارن» (مشارکت کننده شماره ۲۳).

آنها با پوشش‌های خاص، ارائه خدمات و امکانات به گردشگران (برای مثال ایجاد کافه در دل جنگل) و حتی گوش‌دادن به موسیقی و نواهای جدی سعی دارند خود را متمایز نشان دهند. این امر برای آنها حس رضایت و جذاب‌بودن ایجاد می‌کند. علاوه بر این، با ایجاد گروه‌های از همسالان و رفتن به مکان‌های تفریحی خاص، نوعی تمایز ایجاد کرده که در نسل قبلی مادران عمومیت چندانی نداشته است. در این شرایط، با مصرف چیزهای جدید و نشان دادن آن به دیگران (اقوام، فضای مجازی، سایر زنان) سعی دارند خود دلخواه را به جای خود واقعی بنشانند و درصدد تامین نیازهای درونی و علائق‌شان بر بیایند. تمایز و تفاوت چون با ارائه چیزهای تازه و نو همراه است، با نگاه‌های خاص افراد جامعه نیز همراه است و خود در مواردی آنها را به سوژه‌های مجازی و غیرمجازی نیز تبدیل کرده است. مشارکت‌کننده ۱۱ می‌گوید: «با بچه‌ها و کافه رفتن و این چیزها سعی می‌کنم که از شر فکرهای منفی راحت بشم. نمیگم وضع بد و یا اینکه فرهنگ خودمون رو دوست ندارم، اما موقعی که آهنگ میداری با هندزفری و یا استوری میداری و لایک می‌کنن و بعد همه می‌گن چیزهای خفن گذاشتی یه چیز دیگه‌ست. من الان تو فضای مجازی فالورهای زیادی دارم و بیرون هم خیلی‌ها منو میشناسن. توی مهدکودک هم همه بچه‌هاشون رو اونجا ثبت نام میکنن که من هستم!»

۶. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه به دلیل مصرف رسانه‌ها، جهانی‌شدن، افزایش اشتغال زنان، بالارفتن سطح تحصیلات آنها و نیز کاهش فرزندآوری شاهد تحولات متنوعی در ساختار خانواده‌ها هستیم. این امر منجر به تحول در نقش مادری زنان شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف مطالعه زنان از نقش مادری خود در شهر رشت انجام گرفته است. تجربه زیسته مادران رشتی در تحول به نقش‌های مادری خود در مؤلفه‌های همچون «مادری جبرانی، مادری مشارکتی، مادری اکتسابی-انتخابی، مادری چندساحتی و شبکه‌ای، ارزشمندی عواطف و احساسات، اوقات فراغت، خودتداوم بخشی و عاملیت، همسری برابر، دوگانه کار و خانه و تشخیص و تمایز یابی» خود را نشان داده است.

با وجود اینکه در شهر رشت کار زنان در شالیزار و باغداری همواره از قدیم مشهود بوده است، اما ورود آنها به بازار کار رسمی و غیررسمی به شیوه‌های مختلفی خود را نشان داده است. زنان با ورود در اشتغال رسمی از طریق شغل دولتی و نیز اشتغال غیررسمی با

فعالیت در بازار سنتی شهر و پهن کردن بساط کار به صورت دستفروشی در کنار مبادی اصلی شهر، استقلال اقتصادی بیشتری پیدا کرده‌اند که این امر تاحدودی آنها را با کاهش وابستگی مادی به همسران روبرو ساخته است. مشارکت در تأمین درآمدهای خانواده در کنار همسر خود (که نوعی مادری مشارکتی محسوب می‌شود) و یا ایجاد درآمد از طریق اشتغال در منزل و حتی کار در مغازه همسر خود، نشان می‌دهد که نگرش به نقش مادری در بین آنها تا حدودی متحول شده است و خود را به سمت همسری برابر، مادری مشارکتی، مادری اکتسابی-انتخابی و مادری چندساحتی و شبکه‌ای سوق داده است. به این فرایند کاهش محسوس فرزندآوری را اضافه کنیم محرز می‌شود که این وضعیت در سال‌های آتی به‌نحو ملموس‌تری خود را نشان خواهد داد. این زنان از یک سو تمایل دارند به روز، تحصیل کرده، دارای وجهه اجتماعی و سایر مؤلفه‌های مدرن باشند، از دیگر سو گرایش برای مادر بودن و ایفای نقش مادری در این زنان همچنان پایدار است. با توجه به این تحولات آنها دریافته‌اند که ارزش‌های آنها چیزی نیست که صرفاً از طریق مادری سنتی حاصل شود، بلکه مادری جبرانی در جهت کاهش محرومیت‌های قبل و حین ازدواج، مادری مشارکتی در جهت تقسیم وظائف خانواده و مراقبت از کودکان، مادری شبکه‌ای از طریق همسویی و مشارکت با جامعه و به خصوص سایر زنان و نیز ارزشمندی احساسات و عواطف زنانه حاصل می‌شود؛ عواطف و احساساتی که قبلاً یا کمرنگ بود یا نادیده گرفته می‌شود. از این منظر، بازاندیشی در نقش‌ها رخ داده که نشان می‌دهد زنان نمی‌توانند در چارچوب‌های ذهنی و رفتاری کاملاً سنتی بمانند.

از حیث یافته‌های تحقیق حاضر با پیشینه پژوهش نیز باید گفت که همسویی وجود دارد. کرم‌زاده‌طولارود، رحمتی و قاسمی (۱۴۰۳) با مادری چندساحتی و شبکه‌ای؛ دراهکی و اخوان‌ارمکی (۱۴۰۲) با مادری اکتسابی و انتخابی؛ خادمی، اعلمی و مرادی (۱۴۰۲) با مادری چندساحتی و شبکه‌ای و همسری برابر؛ عسکری‌ندوشن و رازقی نصرآباد (۱۴۰۲) با تضاد کار-خانه، مادری انتخابی و اکتسابی؛ سفیری و زندی (۱۴۰۰) با مادری شبکه‌ای، فراغت فردی و انتظاری و افضل‌ی (۱۳۹۹) با مادری انتخابی و مادری جبرانی همسو است. در بین پژوهش‌های محققان خارجی نیز این همسویی وجود دارد. بدین‌ترتیب، یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش نل و همکاران (۲۰۲۴) با مادری مشارکتی، مادری شبکه‌ای، تضاد کار-خانه همسویی دارد. در پژوهش یولیزاوتی و همکاران (۲۰۲۱) با مؤلفه‌های مادی جبرانی، تضاد کار-خانه؛ در پژوهش پریخیدکو و همکاران (۲۰۱۸) با مادری انتخابی و مادری مشارکتی و شبکه‌ای و در نهایت در پژوهش لورن و همکاران (۲۰۲۴) با مضامین تشخیص و تمایزیابی، مادری جبرانی همسویی وجود دارد.

در مجموع، زنان رشتی درصدد تحقق خود به صورت چندبعدی هستند که ضمن اینکه انسجام خانواده حفظ شود، همسری برابر از طریق تعدیل در نقش‌ها حاصل شود. لذا، سعی دارند از طریق فراغت بیشتر، عاملیت و تمایزیابی خود را در شبکه‌های هم‌سانی از زنان قرار بدهند تا به‌تدریج به جبران محرومیت‌ها و تضادهای موجود بپردازند. حرکت به سوی انتخاب‌ها و مشارکت در ساحت‌های مختلف زندگی خانوادگی، ارزشمندی فراغت را در بین زنان نشان می‌دهد. این فراغت صرفاً امری برای رفع خستگی و یا کاهش چالش‌های خانوادگی نیست، بلکه نوعی حس‌رهایی‌یابی در سپهر ارزشمندی عواطف و احساسات نیز هست. نکته دیگر اینکه تضاد کار-خانه در تحول نقش مادری مهم بوده و برجستگی دارد. می‌توان گفت چالش و تضاد کار-خانه در بین مادران همچنان آنها را با تفکیک مناسبات نقش روبرو می‌سازد که در رویکرد بات (به عنوان چارچوب مفهومی) به آن اشاره شد. به نظر می‌رسد این فشار ناشی از ویژگی‌های طبیعی زنان مبتنی بر داشتن غریزه و حس مادری است. با وجود اینکه زنان درصدد تحقق همسری برابر و مادری مشارکتی و چندساحتی هستند، اما همچنان مادر بودن و مراقبت از فرزندان بهتر از عهده آنها برمی‌آید. اما زنان سعی دارند با کاهش فرزندان و توجه بیشتر به اوقات فراغت، خرید و مصرف فرهنگی تا حدودی این فشار نقش را تعدیل کنند. این امر آنها را به سوی مادری شبکه‌ای سوق داده است. مادری شبکه‌ای که در یافته‌ها به آن اشاره شد بر مشارکت مرد و زن در امور خانه و مدیریت آن تأکید دارد. لذا، زنان در تحقق این امر با دو چالش روبرو هستند: از یک سو سعی دارند که مردان را در امور خانه و دخیل کنند. اما از

سوی دیگر با کاهش فعالیت‌های برون خانوادگی، آنها مجبور هستند که بخشی از فعالیت‌های بیرون خانوادگی از جمله درآمدزایی را بر عهده بگیرند. آن چالش برای زنان رشتی خود را در تضاد کار-خانه نشان داده که در مورد بالا به آن پرداختیم. اما از بعد دیگر زنان با مشارکت در گروه‌های زنانه و ایجاد شبکه‌های زنانه و مادرانه، علاوه بر اینکه تجارب خود را با سایر زنان به اشتراک می‌گذارند، بر سرمایه فرهنگی و اجتماعی خود می‌افزایند.

مأخذ مقاله : مستخرج از رساله دکتری جامعه‌شناسی نویسنده اول با عنوان «تبیین جامعه شناختی تجربه زیسته مادرانه زنان و مطالعه تحولات نگرشی به آن: مورد مطالعه زنان شهر رشت»، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ابوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی. اعزازی، شهلا (۱۳۹۹). *مجموعه مقالات نیمه پنهان مادری*. تهران: آگاه.
- انتظاری، علی و افضلی، مرضیه (۱۳۹۹). *مادری: سنخ‌ها، معانی و انگیزه‌ها. مطالعات جنسیت و خانواده*، ۸(۱)، ۴۱-۷۰. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381938.1399.8.1.2.7>
- باقری میاب، شهلا؛ ربیعی، مرجان؛ اکبری، الهام؛ قاسمی، عاصمه (۱۴۰۰). *مطالعه فرایند هویت‌یابی زنان در شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: زنان کاربر اینستاگرام). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۴)، ۱۰۲۹-۱۰۵۹. 10.22059/jisr.2021.321681.1200
- براتی، طوبی، کنعانی، محمدامین، عبداللهی چندانق، حمید (۱۴۰۰). *سرمایه فرهنگی و باروری: مطالعه‌ای در میان زنان ازدواج کرده ۱۵-۴۹ ساله شهر رشت. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۶(۳۱)، ۱۵۹-۱۹۱. 10.22034/JPAI.2022.547323.1216
- ترابی، فاطمه و رنجبری، سمانه (۱۴۰۲). *تأثیر فرزندآوری بر طول مدت ازدواج در ایران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۴)، ۵۵۳-۵۷۲. 10.22059/jisr.2023.355720.1384
- حسنی، محمدرضا و محمدزاده، فاطمه (۱۴۰۲). *مادری دلسوزانه: تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از مادری. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*. ۱۰(۲۲)، ۲۴۹-۲۱۵. 10.22080/SSI.2023.26192.2138
- حمیدی‌فر، مهدی، کنعانی، محمدامین؛ عبداللهی، حمید (۱۳۹۶). *نگاه بی‌فرزند ارادی به فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت. جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۸(۳)، ۲۷-۵۴.
- خادمی، مریم، اعلمی، زینب؛ مرادی، عاطفه (۱۴۰۲). *تجربه زیسته مادران تحصیل‌کرده دین‌مدار از کنشگری اجتماعی. راهبرد فرهنگ*، ۱۶(۶۱)، ۱۳۴-۹۹. 10.22034/JSFC.2022.286742.2263
- دراهمی احمد و اخوان ارمکی، معصومه (۱۴۰۲). *نگرش به هویت مادری و قصد فرزندآوری: مطالعه‌ای در میان زنان دارای حداقل یک فرزند مناطق شهری شهرستان کاشان. زن در توسعه و سیاست*، ۴(۱)، ۷۹-۱۰۳.
- <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.358149.1008335>
- دستوم، صلاح، رحمتی، محمدمهدی؛ رضانی نژاد، رحیم؛ ربیحانی، محمد (۱۳۹۳). *بررسی سبک و الگوی مصرف در فراغت ورزشی خانوادگی درون و برون شهری (رشت). مطالعات مبانی مدیریت در ورزش*، ۱(۳)، ۹۲-۷۲.
- روشنی، شهره و زارعان، منصوره (۱۴۰۲). *ویژگی‌های مادری خوب: مطالعه‌ای با رویکرد کیفی. سبک زندگی*، ۱۶(۹)، ۱۵-۱۴۲.

- سفیری، خدیجه و زندی، فاطمه (۱۴۰۰). پدیدارشناسی تجربه زیسته مادری (مورد مطالعه مادران ۲۰ تا ۴۵ ساله شهر اراک). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۸ (۱۸)، صص ۳۷-۶۲. 10.22080/SSI.2021.22426.1930
- سگالن، مارتین (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- صادقی، رسول و شهابی، زهرا (۱۳۹۶). مطالعه کیفی موانع و چالش‌های مادری زنان شاغل در شهر تهران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶ (۴)، ۷۱۵-۷۳۴. 10.22059/jisr.2018.204488.343
- عسکری ندوشن، عباس و رازقی نصرآباد، حجه بی بی (۱۴۰۲). تجربه مادری و چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل: مطالعه کیفی در شهر تهران. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱۲ (۳)، ۴۲-۹۹. 10.22108/SRSPI.2023.138962.1934
- کاردوانی، راحله، علی اکبر تاج مزینانی، عزت السادات میرخانی، سید مهدی سجادی (۱۳۹۵). بررسی راهبردهای سیاست اشتغال در حوزه مادری در جمهوری اسلامی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۸ (۷۲)، ۷-۳۱. 20.1001.1.20082827.1395.18.0.2.4.۷۲
- کرم‌زاده طولارود، معصومه، رحمتی، محمد مهدی، قاسمی، زهرا (۱۴۰۳). رابطه سبک زندگی و نگرش به نقش مادرانه در شهر رشت. *زن و جامعه*، ۱۵ (۱)، ۵۳-۶۸. 10.30495/jzv.2024.29418.3929
- کنعانی، محمدامین و بخشی، سعادت (۱۳۹۳). گسترش فردگرایی و مسئله کم‌فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۹ (۱۸)، ۷-۳۰. <https://ensani.ir/fa/article/۳۰-۷>
- مستوفی سرکاری، امیر، قمری، محمد، حسینیان، سیمین (۱۳۹۸). مقایسه اثر بخشی آموزش روانی بر اساس الگوی مک مستر و السون در انسجام خانواده معلمان زن. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۰ (۳۷)، ۹۹-۱۲۰.
- یعقوبی‌چوبری، علی، کنعانی، محمدامین، یحیی‌پور، راضیه (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک زندگی و گرایش به طلاق توافقی در بین شهروندان شهر رشت. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶ (۱۴)، ۱۲۱-۱۴۸. 10.25077/jom.6.1.74-83.2021

References

- Abbott, P. & Wallace, C (2019). *Sociology of Women*. Translated by Manijeh Najm-e-Araghi, Tehran: Ney. (In Persian)
- Askari Nadushan, A. & Razeghi Nasrabad, H.B. (1402). Motherhood Experience and Childbearing Challenges of Working Women: A Qualitative Study in Tehran. *Strategic Research on Social*. 12(3), 42, 99-122. 10.22108/SRSPI.2023.138962.1934. (In Persian)
- Azazi, S. (2019). Collection of semi-hidden articles on motherhood. Tehran: Agah. (In Persian)
- Bagheri-Miyab, Shahla; Rabiei, Marjan; Akbari, Elham; Ghasemi, Asmeh (2019). Study of the process of women's identification in social networks (case study: women using Instagram). *Social Studies and Research in Iran*, 10(4), 1029-1059. 10.22059/jisr.2021.321681.1200. (In Persian)
- Barati, T., Kanaani, M.A. & Ebadollahi Chandanagh, H. (2011). Cultural Capital and Fertility: A Study Among Married Women Aged 15-49 in Rasht, *Journal of the Iranian Demographic Association*, 16(31), 159-191. 10.22034/JPAI.2022.547323.1216 (In Persian)
- Darahaki, A & Akhavan-Eramaki, M. (2013). Attitudes towards maternal identity and childbearing intentions: A study among women with at least one child in urban areas of Kashan city. *Women in Development and Politics*, 4(1), 79-103. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.358149.1008335> (In Persian)
- Dastoum, S., Rahmati, M.M. Ramezani Nejad, R. & Reyhani, M. (2014). Study of style and consumption pattern in family sports leisure in and outside the city (Rasht). *Studies on the basics of management in sports*, 1(3), 72-92. (In Persian)
- De Beauvoir, S. (1953). *The second sex*. New York: Alfred A. Knopf.
- Entezari, A. & Afzali, M. (2019). Motherhood: Types, Meanings and Motives. *Gender and Family Studies*. Issue 1. 20.1001.1.25381938.1399.8.1.2.7 (In Persian)
- Hamidifar, M., Kanani, M.A. & Ebadollahi, H. (2017). The View of Intentional Childless People on Childbearing: A Study in Rasht. *Cultural Sociology*, 8(3), 27-54. (In Persian)

- Hassani, M.R. & Mohammadzadeh, F. (2013). Compassionate Motherhood; Lived Experience of Women Heads of Households from Motherhood, Scientific Research Journals of Sociology of Social Institutions. 10(22), 249-215. 10.22080/SSI.2023.26192.2138. (In Persian)
- Kanani, M.A. & Bakhshi, S. (2014). The spread of individualism and the problem of low fertility: A study in the city of Rasht. Letter of the Iranian Demographic Association, 9, (18), 7-30..(In Persian)
- Karamzadeh Tolaroud, M., Rahmati, M.M. & Ghasemi, Z. (2014). The relationship between lifestyle and attitude towards the maternal role in the city of Rasht. Woman and Society, 15(1), 53-68. 10.30495/jzv.2024.29418.3929. (In Persian)
- Kardavani, R., Taj Mazinani, A.A., Mirkhani E.S. & Sajjadi, S.M. (2016). A Study of Employment Policy Strategies in the Field of Motherhood in the Islamic Republic. Strategic Studies of Women, 18, 72. 20.1001.1.20082827.1395.18.0.2.4. (In Persian)
- Khademi, M., A'alami, Z. & Moradi, A. (2013). Lived Experience of Religiously Educated Mothers from Social Activism. Culture Strategy, Issue 61. 10.22034/JSFC.2022.286742.2263. (In Persian)
- Loren, H. Weineland, S. Rembeck, g (2024) facing a new life- the healthy transition to motherhood: what individual and environmental factors are needed? A phenomenological- hermeneutic study, idwifery, 130 (34). [10.1016/j.midw.2024.103917](https://doi.org/10.1016/j.midw.2024.103917)
- Mostofi Sarki, A., Qamari, M. & Hosseinian, S. (2019). Comparing the effectiveness of psychological training based on the McMaster and Elson model in family cohesion of female teachers. Culture of Counseling and Psychotherapy, Year 10, Issue 37, pp. 99 - 120. (In Persian)
- Nel, R; Naude, L & Piotrowski, K (2024). Motherhood, role conflict, and identity: South African mothers' experiences amid a pandemic. *Journal of Family Studies*. 30 (4). <https://doi.org/10.1080/13229400.2024.2308197>
- Prikhidko, alena; swank, Jacqueline (2018). Motherhood experience and expectations: a qualitative exploration of mothers of toddlers. The family journal, 26 (3). <https://doi.org/10.1177/1066480718795116>
- Roshani, S. & Zarean, M. (2013). Characteristics of good mothers: A study with a qualitative approach. Lifestyle, 16(9), 115-142. (In Persian)
- Sadeghi, R. & Shahabi, Z. (1396). Qualitative study of obstacles and challenges of motherhood of working women in Tehran. Social Studies and Research in Iran. 6(4), 715-734. 10.22059/jisr.2018.204488.343. (In Persian)
- Safiri, K. & Zandi, F. (1400). Phenomenology of the lived experience of motherhood (case study of mothers aged 20 to 45 in Arak city). Sociology of Social Institutions, 8,18, 37-62. 10.22080/SSI.2021.22426.1930. (In Persian)
- Segalen, M. (1380). Historical Sociology of the Family, translated by Hamid Eliasi, Tehran: Markaz Publishing. (In Persian)
- Torabi, F. & Ranjbari, S. (2011). The Effect of Childbearing on the Duration of Marriage in Iran. Social Studies and Research in Iran. 12(4), 553-572. 10.22059/jisr.2023.355720.1384. (In Persian)
- Williamson, T., Wagstaff, D. L., Goodwin, J., & Smith, N. (2022). Mothering ideology: A qualitative exploration of mothers' perceptions of navigating motherhood pressures and partner relationships. Sex Roles, 88(1-2): 101-117. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11199-022-01345-7>
- Yaghoubi-Choubri, A., Kanani, M.A & Yahya-Pour, R. (2019). Investigating the relationship between lifestyle and tendency towards consensual divorce among the citizens of Rasht. Sociology of Social Institutions, 6(14), 121-148. 10.25077/jom.6.1.74-83.2021. (In Persian)
- Yulizawati, Maputra, M & Enosentris, I (2021). Transition of Roles Change of Motherhood in Women. Journal of Midwifery, 6 (1): 74-83. [10.25077/jom.6.1.74-83.2021](https://doi.org/10.25077/jom.6.1.74-83.2021)